

پیامبر گرامی اسلام (ص):

سخت‌گامان نادر نزد خدا از عالم بخیل محبوب تر است.

نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر میرزایی، چاپ هفتم ۲۱۳۳



روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده

شماره استاندارد بین المللی روزنامه طالع (شاب): ۸۰۰۲-۵۸۷۳ ISSN: 5873-8002

حساب جاری سپهر ۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات شیراز - شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طالع

شیراز: خیابان انقلاب (نادر) - نبش پارک انقلاب - مجتمع رز - طبقه اول
تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۲ | فاکس: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۱

کازرون: خ قدمگاه - پایین تر از تقاطع امیرکبیر: ۰۷۱-۴۲۲۲۹۴۶
چاپ: نجف زاده شیراز
تایپ و صفحه آرایی: روزنامه طالع

ناگفته هایی از زندگی فیلسوف شرق علامه محمد تقی جعفری

به قلم فرید ملواتی (نوه استاد)

به مناسبت ۲۵ آبان ماه سالگرد درگذشت ایشان

استاد: چند روز قبل پیامکی از سوی فرهیخته ارجمند جناب فرید ملواتی برای حقیر (مدیر مسئول روزنامه طالع) ارسال شد که بسیار مسرور شدم و آن اینکه فرموده بودند سرمقاله ای به مناسبت ۲۵ آبان سالروز پرواز ملکوتی شادروان علامه محمد تقی جعفری بنویسم. خواسته ای بسیار سنگین... در پاسخ گفتم ادا کردن حق مطلب در این زمینه فوق العاده مشکل است، ترجیح می دهم که خودتان زحمت آن را بکنید. متواضعانه پذیرفتند و مطلب ذیل را به آدرس ایمیل روزنامه ارسال کردند که تقدیم خواننده گان گرامی می شود.

بیست و پنج آبان ماه هفدهمین سالگرد رحلت فیلسوف شرق علامه محمد تقی جعفری است.

بر خود لازم دیدم که ناگفته هایی را از این بزرگ مرد ادب و علم برای مخاطبین عزیز بیان کنم. حقیقتش برای بنده که نوه ایشان هستم مشکل است که در ارتباط با جوانب گوناگون شخصیت ایشان مطلب بنویسم چرا که ممکن است بیان برخی واقعیت ها در این مورد حمل بر غلو گردد، اما در عین حال سعی خواهم کرد در این مجال اندک برخی جوانب حیات علامه محمد تقی جعفری را مورد اشاره قرار دهم. با این مطلب آغاز می کنم که علامه تقید بسیاری به انجام عبادات و نیز مستحبات خویش سر وقت داشتند و همواره به نزدیکان خود نسبت به این مسئله تأکید و توصیه می نمودند اما نکته حائز اهمیت اینکه هیچگاه ایشان در عبادات خود تعادل را از دست نمی دادند و آن را به حد افراط و ریاضت نمی رساندند.



اساسا به این مقوله ها اعتقادی ندارم

گونه برخورد های فروتنانه ایشان موجب گردیده بود که مردم در هر مجلس و محفلی به محض دیدن استاد سرعیا ایشان را در میان می گرفتند و نسبت به وی ابراز علاقه و ارادت می کردند روزی فردی ناشناس از یکی از شهرهای ایران خدمت ایشان رسید و اظهار داشت من اعتقاد دارم که شما به بسیاری از علوم غربیه و مرتبط با عالم ماوراءالطبیعه احاطه و آشنایی دارید و تقاضا نمود که ایشان به وی ذکر خاص در این مورد و یا معارفی از علم را آموزش دهند. علامه در پاسخ به وی ضمن رد درخواست وی اظهار داشتند که بنده در این موارد اطلاعاتی ندارم، عبادات و مستحباتم را در حد معمول و متعارف انجام می دهم و اساسا به این مقوله ها اعتقادی ندارم. دوستان و خوانندگان محترم می توانند به کتاب ایشان با عنوان «عرفان اسلامی» مراجعه کنند تا بیشتر با دیدگاه استاد در این ارتباط آشنا شوند.

روحیه فروتنی و افتادگی ایشان

بازترین چیزی که در اولین برخورد افراد یا گروه های مختلف با استاد علامه جعفری عامل جذب و ارادت آنان به ایشان بود همانا روحیه فروتنی و افتادگی ایشان بود، بسیاری از شیفتگان و علاقمندان ایشان از شاگردان درسهای ایشان نبودند. شما وقتی به انبوه جمعیتی که در روز تشییع در تهران و مشهد جهت تجلیل و مشایعت از پیکر استاد گرد آمده بودند نیم نگاهی بیندازید

نکته ماژاهمیت اینکه هیچگاه ایشان در عبادات خود مالت تعادل را از دست نمی دادند و آن را به حد افراط و ریاضت نمی رساندند

متوجه خواهید شد که عمده آنان به علت روحیه متواضعانه ای که در مجامع و محافل مختلف و حتی سخنرانی هایی که از صدا و سیما پخش می شد از استاد دیده بودند مجذوب ایشان گشتند. به یاد دارم ایام رحلت استاد روزی خانمی با اینکه می گریست با دفتر ایشان تماس گرفت و گفت: من از همسایگان علامه هستم، سال گذشته خواهرم با عده ای از همکلاسان خدمت استاد رسیده اند که در آن دیدار ایشان قریب به نیم ساعت برای دانش آموزان سخنرانی کردند؛ گویا خواهرم در جریان سخنرانی آقا و یا بعد از آن در حین پرسش و پاسخ؛ احساس می کند که استاد نسبت به وی کم توجهی دارند و از این بابت خواهر من تا حدی مکدر می شود. استاد جعفری به یکباره متوجه روحیه خاص و کدورتی که خواهرم از این بابت پیدا کرده شده بود سرعیا نامه ای را می نویسد و از اطرافیان می خواهند که آن را بدست خواهرم برسانند. ایشان در نامه مختصر فرموده بودند که: کم توجهی به این علت بود که در آن لحظات در یک مسئله فکری خاص تمرکز داشتم و از شما به خاطر این مسئله بسیار عذرخواهی می کنم، دعا کنید که دیگر چنین کاری از من سر نزنند.

این گونه برخوردهای فروتنانه ایشان موجب گردیده بود که مردم در هر مجلس و محفلی به محض دیدن استاد سرعیا ایشان را در میان می گرفتند و نسبت به وی ابراز علاقه و ارادت می کردند.

روحیه ساده زیستی و بی رغبتی به دنیا

یکی دیگر از جلوه های نمایان اخلاق حسنه علامه جعفری روحیه ساده زیستی و بی رغبتی به دنیا بود. ایشان تا قبل از اینکه به خانه اطراف میدان قدس تهران نقل مکان کنند.

هنگامی که یکی از فرزندان ایشان عازم سرایزی بود با اینکه امکان وجود داشت که در تهران به خدمت بپردازد اما با تأکید ایشان او برای ادامه سرایزی به جبهه رفت. در خاطر هستم روز عزیمت ایشان به منطقه جنگی، مادر بزرگم بسیار نگران و بی تاب بودند و از استاد تقاضا می کردند که دائم به جبهه نروند ولی استاد علامه جعفری در پاسخ با جدیت خاصی ضمن

مفاتیب اکثر سفرانی های ایشان در مجامع مختلف را جوانان تشکیل می دادند، ایشان علاوه بر مضور مستمر در محافل دانشگاهی متی برای نوجوانان دبستانی و راهنمایی نیز وقت می گذاشتند

نام بردن از چند شهید محل فرمودند: مگر خون فرزندان من از خون اینان رنگین تر است؛ مرگ و زندگی همه ما با خداست و هر چه او مقدر فرماید خیر است.

روحیه قانون مداری در ایشان نکته اخلاقی دیگری که از علامه جعفری مایل هستم به آن اشاره کنم؛ روحیه قانون مداری در ایشان بود که نمونه ی بسیار ساده و پیش پا افتاده آن احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی بود. یادام است که اوایل انقلاب که وضعیت نامطلوبی از نظر امنیتی بر کشور حکمفرما بود، عمدتا رانندگان بعضی از شخصیت ها به دلیل برخی نکات امنیتی چندان توجهی به قوانین تردد شهری نداشتند و بعضا از چراغ قرمز و ورود ممنوع عبور می کردند. ایشان از جمله شخصیت هایی بودند که به این بهانه هیچگاه اجازه نقض قوانین شهری را نمی دادند و در برابر اصرار راننده پاسخ می دادند که: جان من به خودم مربوط است و اجازه قانون شکنی نمی دهم. مصاحبت اطرافیان و شاگردان با استاد موجب شده بود تا این روحیه به آنها هم سرایت کند و همگی خویش را موظف به رعایت قوانین در تمامی سطوح بدانند. جمع شدن مجموعه ای از فضائل اخلاقی در شخصیت استاد موجب گردیده بود که صرف نظر از ابعاد دیگر شخصیت ایشان؛ معظم له برای اطرافیان و شاگردان و عموم مردم به عنوان یک نمونه کامل اخلاقی باشند.

توجه دقیق به نیازهای روحی و عاطفی خانواده

باید خاطر نشان کنم که مشغله فراوانی که علامه جعفری بر اثر کثرت مراجعات مردم و دانش پژوهان داخل و خارج و تدریس و تحقیق و نگارش داشتند به هیچ روی مانع از توجه دقیق به نیازهای روحی و عاطفی خانواده و تلاش در ارتقای سطح تربیتی آنان نبود. به یاد دارم که ایشان آن تراکم کار بسیار شدیدی داشتند و طبعاً بسیار خسته و نیازمند به استراحت بودند، اما در عین حال شب ها پس از پایان نسبی کار مطالعه و تحقیقاتشان؛ ساعاتی از کتابخانه خود خارج و به شنیدن سخنان خانواده فرزندان اختصاص می دادند و در حد امکان در برآوردن خواسته هایشان می کوشیدند. ایشان در القای یک پیام تربیتی معمولاً دو شیوه را بر می گزیدند؛ گاهی اوقات با توجه به همسان مقوله به شکل صریح مطلبی را تذکر می دادند و گاهی اوقات نیز عملاً با رفتار خویش یک پیام تربیتی را منتقل می نمودند.

نحوه رفتار علامه جعفری با همسرشان

در اینجا مناسب می دانم در ارتباط با نحوه رفتار علامه جعفری با همسرشان اشاره ای داشته باشم، که می تواند بیانگر شکل نگرش استاد در ارتباط با جایگاه زن در جامعه باشد. علامه همسرشان را بسیار تکریم می کردند و اعتقاد داشتند که موفقیت ایشان در مسیر تحقیق و تألیف تا حد چشمگیری مرهون محیط آرام و بی تفرقه ای است که ایشان در منزل فراهم آورده بودند. تعبیر علامه به فرزندانانشان این بود که: والده شما مانع کار من نشد و مرا در تلاش و فعالیت علمی آزاد گذارد و با تمامی مشکلات دوران زندگی من خاصه مقطع نخست ۱۱ سال اقامت در نجف، کربلا و کاظمین دست و پنجه نرم کرد.

از مصادرم خاطره ای را شنیده بودم که خالی از لطف نیست برای عزیزان تعریف کنم. روزی در منزل اختلاف جزئی بین استاد و همسرشان پیش می آمد و عبارات نسبتاً تندیدی در این میان رد و بدل می شود. پس از گذشت مدت زمانی که استاد عازم بیرون از منزل بودند؛ با نهایت تواضع آمده و دست همسرشان را بوسیدند و عذرخواهی کردند. مادرم همیشه می گویند: آقا اساسا در برخورد با همسرشان خود و جایگاه علمی و اجتماعی خویش را فراموش می کردند.

منزل علامه محل رفت و آمد جوانان

تا جایی که به یاد دارم همیشه منزل علامه محمد تقی جعفری محل رفت و آمد جوانانی بود که همواره نیز با روی گشاده و استقبال صمیمانه استاد مواجه می شدند؛ رابطه ایشان با جوانانی که بعضاً با انبوهی از سوالات و مشکلات فکری نزد ایشان می آمدند بسیار دوستانه و بی تکلف بود، همچنین مخاطبین اکثر سخنرانی های ایشان در مجامع مختلف را جوانان تشکیل می دادند، ایشان علاوه بر حضور مستمر در محافل دانشگاهی حتی برای نوجوانان دبستانی و راهنمایی نیز وقت می گذاشتند. روزی یکی از نزدیکان به ایشان اعتراض می کند که: چرا در حالی که بسیاری از شخصیت های علمی از داخل و خارج و نیز برخی نهادها و گروه ها از شما وقت ملاقات می خواهند و بعضاً شما به دلیل تراکم برنامه هایتان نمی توانید به آنها وقت بدهید ولی وقت خود را صرف کودکان دبستانی می کنید؟

ایشان در جواب آن طرف فرمودند: ممکن است قرار گرفتن آنان در این فضای ملاقات و گفتگو و با توجه به معصومیت و

استعدادی که در این سنین دارند اثری مثبت داشته باشد. شیوه گفتگوی علامه با جوانان بسیار متفاوت با سیره گفتاری سایر علما و بزرگان بود؛ با این قشر بسیار بشاش و گشاده رو رفتار می کردند و دردیدار با آنان مزاح می کردند که علیرغم القای مطالب علمی و پاسخ به سوالات آنان، روحیه مفرح و نشاط شان حفظ گردد.

نظیر فتن پست های مهم کشوری

این را هم بشنوید بد نیست که اوایل انقلاب سپردن یک از پست های مهم به علامه به گوش ایشان ن رسید. ایشان قبل از آنکه در این مورد تصمیمی گرفته شود خدمت امام خمینی می رسند و به ایشان عرض کردند که: من شرعاً اوامر حضرت تعالی را لازم الاطاعه می دانم اما شخصاً مایلم که به ادامه تحقیق و تلاش علمی و فکری خود بپردازم. که امام تبسمی کرده و به ایشان فرموده بودند که: شما هر کاری بکنید خدمت به مردم است و مورد قبول من است.

امام خمینی ایشان را ابن سینای زمان نامید

استاد محمد تقی جعفری در سال ۱۳۴۲ نیز به اتفاق جمعی از



خانواده نزدیک شان به طور خصوصی به دیدار امام خمینی می روند. در آن ایام پخش درس های استاد از سیما با وقفه ای مواجه شده بود. امام در آن دیدار از استاد می پرسند که چرا دیگر درس هایتان پخش نمی شود؟ که استاد پاسخ دادند که بزودی مجدداً درس ها برقرار خواهد شد. جالب است که حضرت امام خمینی ایشان را ابن سینای زمان نامیدند.

به طور خلاصه باید بگویم ایشان در ایجاد رفتار با جوانان به تمام معنا استاد بودند.... وقت تمام شد و مطالب اصلی ماند.... در آخر اینکه: استاد علامه محمد تقی جعفری از یک دو ماه قبل از آغاز بیماری و رحلت شان؛ راجع به مرگ و آمادگی شان برای آن بسیار سخن می گفتند. از نزدیکان می تعریف می کردند که: تقریباً دو ماه قبل از مرضی شان فرموده بودند که: من از همین الان آماده سفر آخرت هستم و منتظر کم این ندا در رسد که از پل زندگی عبور کنم.

متأسفانه بیماری ایشان از مرداد ماه سال ۷۷ آغاز شد، بدون اینکه هیچگونه سابقه ای در این مورد داشته باشند. ایشان قبل از بروز علائم بیماری برای سخنرانی به تبریز

از استاد تقاضا می کردند که دائمی او به جبهه

نزداد ولی علامه جعفری در پاسخ با جدیت فاصی ضمن نام بردن از پند شهید ممل فرمودند: مگر خون فرزندان من از خون اینان رنگین تر است؛ مرگ و زندگی همه با خداست، هر چه او مقدر فرماید فیر است

مسافرت کرده بودند و در آنجا برنامه کاری بسیار متراکمی را پشت سر گذاشته بودند به طوری که در آن سفر حدود ده جلسه پرسش و پاسخ برای جوانان و دانشجویان داشتند علاوه بر آن چهار سخنرانی نیز در مجامع مختلف ایراد نمودند.

در صبح مراجعت از تبریز استاده یکباره احساس ضعف شدیدی می کنند. و اظهار داشتند که تصور می کنم اندکی نیاز به استراحت داشته باشم و نزدیکان برای استراحت و تمدد اعصاب ایشان را به باغ یکی از نزدیکان که اطراف تهران بود می برند. در آنجا استاد کمی رو به بهبودی رفتند اما پس از چند روز به ناگاه کاهش وزن بسیار شدید و محسوسی پیدا کردند که برای مراجعه به دکتر ایشان را سرعیا به تهران منتقل می کنند. در تهران یکی از متخصصین دستور عکسبرداری از ریه ایشان را می دهد. پس از ملاحظه عکسها، پزشک معالج بیماری استاد را سرطان ریه تشخیص می دهد. اما در عین حال اظهار امیدواری می کند که سیتی اسکن خلاف این را اثبات کند. فردای آن روز ضمن مراجعه به بیمارستان شهید مصطفی خمینی از استاد سیتی اسکن گرفتند که متأسفانه نظر پزشک معالج ایشان را تایید می کند و بدتر از همه اینکه عکس ها نشان داد که حتی بیماری به اعضای دیگر بدن ایشان نیز سرایت نموده است.

پس از اینکه نوع بیماری علامه برای خانواده مسجل شد دانی بزرگم که جراح عمومی در کشور نروژ هستند پیشنهاد کردند که برای طی مراحل معالجه شیمی درمانی ایشان را به نروژ بفرستیم. پس از انتقال ایشان به نروژ توصیه شد که ایشان برای ادامه معالجه به لندن که دارای امکانات پیشرفته تر و کادر مجربتر هستند عزیمت کنند. در لندن سیر مداوا به خوبی پیش می رفت که متأسفانه در سه روز آخر مسئله سکتة مغزی پیش آمد و ناراحتی ایشان را شدت داد و هرگونه تحرک را از ایشان سلب نمود و با کمال تأسف و تالم، به رحلتشان در ساعت ۱۰:۳۰ صبح به وقت لندن در روز دوشنبه ۲۵ آبان ماه منجر گردید. روحش شاد و با اولیای خدا مشحور باد.